

کرامات رضوی

محمد جواد مهدوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه دایرةالمعارف

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱/۲۵

امکان صدور معجزه و کرامات از ناحیه امام معصوم^۷ و رابطه آن با علم غیب امام^۷، موضوعی است که نویسنده آن را از دیدگاه برخی از متکلمان شیعه به اجمال مورد بررسی قرار داده است. در بخش پایانی مقاله هم، منابع تاریخی ثبت کرامت و معجزات حضرت رضا^۷ را متذکر شده و به چند کرامت مشهور اشاره کرده است.

کلید واژه‌ها: امام رضا^۷، کرامات رضوی، معجزه، کرامت.

۱، ۱۶۵. در این باره هم‌چنین بنگرید به: احمدی: ۳۱۷-۳۲۱؛ قدردان قراملکی: ۵۰ و ۷۶-۷۷). مقدس اردبیلی (۳۷۰) عقیده به وجود تمایز بین کرامت و معجزه را به اکثر اشاعره و گروهی از متأخران شیعه نسبت می‌دهد، اما ادعا می‌کند که اکثر معتزله و قدمای شیعه بین کرامت و معجزه تفاوتی قائل نیستند؛ با این توضیح که معتزله خوارق عادات و معجزات و کرامات را مخصوص پیامبران می‌دانند، اما متقدمان شیعه این امور را علاوه بر پیامبران، به اوصیا و خلفای پیامبران نیز نسبت می‌دهند. به نظر

گر چه در منابع، تعریف کاملاً روشن و جامعی از کرامت نیامده است، اما اکثر منابع تعریفی نزدیک به این عبارت از واژه کرامت ارائه کرده‌اند: خارق عادت‌ی که به دست شخصی، به‌ویژه یکی از اولیای خدا ظاهر شود، بدون این‌که در آن ادعای پیامبری مطرح باشد. اما اگر چنین امری با ادعای پیامبری همراه باشد، معجزه نام می‌گیرد (بنگرید به: ترجمه رساله قشیریه، ص ۶۲۲-۶۳۰؛ جرجانی، ذیل الکرامه؛ معین، ذیل کرامت؛ حلی، جمال الدین حسن بن یوسف: ۱۸۴؛ فاضل مقداد: ۱۵۱؛ طباطبایی:

اردبیلی لازم نیست معجزات و کرامات مقرون به دعوی باشد و از این رو، علمای شیعه هرگونه خارق عادت را که قبل از دعوت و حتی پیش از ولادت و نیز پس از وفات، از پیامبران و امامان ظاهر شده باشد، معجزه نامیده‌اند (همان‌جا)؛ گرچه در تداول عام، کارهای خارق‌العاده امامان هم معجزه نامیده می‌شود و هم کرامت.

با بررسی منابع پیشین، به نظر می‌رسد که گرچه همه دانشمندان شیعه درباره امکان و لزوم صدور معجزه از پیامبران هم‌رأی‌اند، اما درباره صدور کرامت از امامان، دیدگاه یکسانی ندارند. ابن قُتَّبه، متکلم بزرگ شیعه در اواخر قرن سوم هجری، امکان این که خداوند به دست امام معجزه‌ای را ظاهر کند، متفی نمی‌دانست، اما اعتقاد به علم غیب امام را رد می‌کرد. (بنگرید به: رساله تقض کتاب الإِشهاد از ابن قبه در: مدرسی طباطبایی: ۲۷۹، ۲۸۳ و ۲۹۰) از این رو، می‌توان استنباط کرد که اگر معجزه منسوب به امام مستلزم اخبار از غیب باشد از نظر ابن قبه پذیرفته نیست. به گفته شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ق) در *اوائل المقالات* (۶۸-۶۹) متکلمان نوبختی نیز با موضوع ظهور معجزه و کرامت از امام موافقت

ندارند، اما به نظر می‌رسد این دیدگاه مورد توافق تمام نوبختیان نیست، چنان که ابواسحاق ابراهیم بن نوبخت (متکلم نیمه اول قرن چهارم) در کتاب *یاقوت*، که علامه حسن بن یوسف حلّی (۶۴۸-۷۲۶ق) آن را در کتابی به نام *انوار الملکوت فی شرح الیاقوت* شرح کرده است، می‌گوید: «امکان ظهور معجزه بر دست اولیا و امامان وجود دارد و دلیل آن هم ظهور معجزه از آصف ابن برخیا و مریم و دیگران است» (حلّی: ۱۸۶)؛ در این باره هم‌چنین بنگرید به: حیدری آقایی و دیگران: ۱۹۴/۲؛ مدرسی طباطبایی: ۱۰۰). کلینی (۳۲۹/۳۲۸-۴) گرچه به‌طور مستقل درباره ظهور معجزه و کرامت از امامان بحثی نکرده، اما بنا به روایاتی که درباره علم غیب ایشان نقل کرده است، معتقد است آنان بالاستقلال دارای علم غیب نیستند، ولی هرگاه بخواهند چیزی را بدانند، خدا آن را به آنان می‌آموزاند (بنگرید به: کلینی: ۳۷۶/۱-۳۷۹). او علاوه بر این، روایاتی را در این باره نقل می‌کند که امامان دانش خود را از کتاب جامعه، کتاب جفر و مصحف فاطمه³ می‌گیرند (همان: ۳۴۴/۱ و بعد؛ درباره این کتاب‌ها هم‌چنین بنگرید به: مدرسی

طباطبایی، میراث مکتوب شیعه، ۲۲-۲۸ و ۳۹-۴۲). محمد بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (حدود ۳۰۵-۳۸۱ق) که با نقل معجزات و کرامات زیادی از امام رضا ۷، موافقت خود را با اصل موضوع امکان صدور معجزه از امامان نشان می‌دهد (برای نمونه بنگرید به: ابن بابویه، ۴۹۲/۲ و بعد)، در موارد زیادی که کرامت صادر شده مستلزم اخبار از غیب است، آن را برگرفته از عهد معهودی که از پیامبر به امامان رسیده یا همان صحیفه جامعه می‌داند (برای نمونه: همان: ۴۷۹، ۴۸۵، ۴۹۱ و...). شیخ مفید نیز صدور معجزات را از ائمه به دلیل وجود اخبار یقین آور در این باره قطعی می‌شمارد و جمهور امامیه را در این باب با خود هم عقیده می‌داند، اما اصل صدور معجزه از آنان را به لحاظ عقلی نه واجب می‌داند و نه ممتنع (مفید: ۶۸-۶۹). گویا پس از این اختلاف نظرهای اولیه درباره امکان یا امتناع ظهور معجزه از ائمه، دانشمندان شیعی بعدی صدور معجزه و کرامت را از امامان امری قطعی می‌دانند و حتی کسانی همچون سید مرتضی در *الندخیره* (۳۳۲ و ۳۳۵) و طبرسی (طبری) در *اسرار الامامه* (۳۷) آن را در مواقعی، واجب می‌شمارند.

و اما در مورد ثبت کرامت و معجزات امام رضا ۷ و تاریخچه آن، باید گفت، تا آن‌جا که نگارنده بررسی کرده است، نخستین اثر مکتوبی که معجزات و کرامات امام رضا ۷ در آن ثبت شده و امروز به دست ما رسیده، *عیون اخبار الرضا* اثر شیخ صدوق است. پس از آن، کتاب *الارشاد* که شیخ مفید نیز ضمن شرح حال حضرت رضا، به ذکر برخی معجزات آن حضرت پرداخته است. در بسیاری از آثار بعدی نیز برخی از معجزات و کرامات آن حضرت آمده یا دست کم به آن‌ها اشاره شده است. برای نمونه، امین الاسلام طبرسی (؟-۵۴ق) در *اعلام السوری* (۳۱۳-۳۱۴) پس از ذکر مواردی از معجزات آن حضرت در زمان زندگانی، می‌گوید کرامت‌هایی که پس از وفات آن حضرت مشاهده شده و عامه و خاصه و موافق و مخالف بر آن اتفاق نظر دارند، آن قدر زیاد است که آوردن آن‌ها موجب می‌شود کتاب از هدف اصلی خود خارج گردد. عمادالدین طبری (طبرسی) (احتمالاً ۶۲۵-۶۹۸ق) در کتاب *مناقب الطاهرین* خود فقط معجزات مربوط به زمان زندگانی آن حضرت را ذکر کرده است (۷۵۹-۷۸۰). شاید دلیل این

خودداری از ذکر معجزات یا کرامات پس از وفات امام رضا⁷ نکته‌ای باشد که شمس‌الدین محمد رضوی در کتاب *وسيلة الرضوان* خود (درباره این کتاب که هنوز به صورت نسخه خطی است و معرفی آن، بنگرید به: جعفریان: ۴۶؛ طهرانی: ۷۷/۲۵) به آن اشاره کرده و در صدد پاسخ‌گویی به آن برآمده است. نکته این است که گویا برخی از علمای شیعه هم‌چون ملا محمدباقر مجلسی، ملا احمد اردبیلی مشهور به مقدس اردبیلی، ملا حسن شیعی و برخی از علمای نجف، کربلا، بغداد و ... و احتمالاً بسیاری از علمای شیعی پیشین، با کاربرد لفظ معجزه در مورد آنچه پس از حیات امام رخ داده موافق نبوده‌اند؛ اما رضوی (جعفریان: همان) استدلال کرده که پس از حیات امام هم معجزه می‌تواند هدایتگر باشد و بنابراین فلسفه معجزه را در خود دارد. علاوه بر این، امامان پس از رحلت نیز در واقع زنده‌اند و تفاوتی با زمان حیات ندارند.

باری، ذکر و نگارش معجزه‌ها و کرامت‌های امام رضا⁷ در آثار مختلف مربوط به زندگی آن حضرت همچنان ادامه می‌یابد، تا این‌که

شمس‌الدین محمد رضوی در میانه سال‌های ۱۱۳۲ تا ۱۱۳۵ به تألیف کتاب *وسيلة الرضوان* (فی کرامات سلطان خراسان) می‌پردازد. رضوی که خود از سادات مشهد و سرکشیک حرم امام رضا⁷ بوده است در صدد برمی‌آید کرامت‌ها و معجزات آن حضرت را که در متون پیشین آمده بوده یا در افواه عموم رواج داشته، در یک جا گرد آورد. چنان‌که او خود در این باره می‌نویسد: «بعضی اوقات در طی احادیث، معجزه‌ای دیده می‌شد که در تحت فصول و ابواب آن‌ها مرقوم نبود، خصوصاً در کتاب *بحار الانوار* آخوند [آخوند] مولانا محمدباقر مجلسی - رحمه الله - و *نصوص و المعجزات* شیخ محمد حرّ - رحمه الله - و *کشف الغمّه و فصول المهمّه و خرایج و مناقب ابن شهر آشوب و عیون اخبار الرضا و شواهد النبوة و مناقب حضرت فاطمه و بصائر الدرجات و دلائل حمیری و کافی و ارشاد و مشارق الانوار* و کتاب *رجال شیخ گشی و من لا یحضره الفقیه* و کتاب *الغیبة* شیخ طوسی و حدیقه و بهجه و غیر این‌ها از کتاب‌های معجزات شیعه و سنی متفرق

بود، با بعضی معجزات بعد از رحلت که از جماعت صلحا و معتمدین این ارض اقدس شنیده شده و خود دیده‌ام، با بعضی معجزات منقوله ایام حیات که در کتاب‌های مذکور متفرق بود... در یک‌جا جمع و به رشته ترتیب کشیده» و آن‌ها را در دو فصل درباره معجزات ایام حیات (۲۰۲ معجزه) و معجزات بعد از حیات (۱۲۳ معجزه) ذکر کرده است (به نقل از: جعفریان: ۴۵-۴۷). رضوی در این اثر معتقد است که اگر بسیاری از خاطرات شفاهی درباره معجزات امام در آثار پیش از صفویه ثبت نشده، علت آن تقیه شیعیان در قبل از این دوره بوده است (همان: ۴۶). آنچه در این اثر تازگی دارد، همین بخش دوم است و گرنه معجزات بخش اول، همگی در متون کهن شیعه آمده‌اند و تنها در این‌جا به فارسی ترجمه و تلخیص شده‌اند (جعفریان: ۴۷).

به گفته آقا بزرگ طهرانی کسانی هم چون ملا نوروزعلی بسطامی در *التحفة الرضویة* (۱۰۴ معجزه)، میرزا حسین نوری در *دارالسلام* و میرزا عبدالرحمان مدرس در *تاریخ علمای خراسان*، مواردی را از آن نقل کرده‌اند (طهرانی: ۳/۴۳۶ و ۷۷/۷۸-۷۷). ذکر این

نکته خالی از فایده نیست که در این اثر، در کنار کرامت‌هایی که نمی‌توان در درستی آن‌ها تردید کرد، کرامت‌هایی نیز نقل شده که بوی ساختگی بودن از آن‌ها به مشام می‌رسد؛ از جمله معجزه هشتاد و پنجم که آن را از کسی به نام آقا نورالدین محمد تاجر نقل کرده است (برای مطالعه این معجزه، بنگرید به: جعفریان: ۵۳-۵۷).

علاوه بر آثاری که پیش از این ذکر شد، تا امروز نیز هم‌چنان آثار زیادی، چه به صورت مستقل و چه در ضمن مطالب دیگر، درباره معجزات و کرامات امام رضا ^۷ نوشته شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کرامات رضویه، شیخ علی اکبر مروج‌الاسلام؛
۲. کرامات الرضویه، علی میرخلف‌زاده؛
۳. پنجاه و سه داستان از کرامات حضرت رضا ^۷، به انضمام زندگانی آن حضرت، موسی خسروی؛
۴. چهل معجزه از حضرت علی بن موسی الرضا ^۷، محمدابراهیم مونس؛
۵. دارالشفای رضوی (چهل داستان

واقعی از شفایافتگان حرم رضوی)،
گردآوری دفتر تحقیقات و انتشارات
محب؛
۶. حدیقة الرضویه، محمدحسن ادیب
هروی.

از جمله کرامت‌های مشهور منسوب
به امام رضا ⁷ یکی پیشگویی آن امام
است دربارهٔ دفن شدن خود در کنار
مقبره هارون الرشید (بنگرید به: ابن بابویه:
۵۲۴/۲، ۵۲۶ و ۵۴۹-۵۵۱)، نیز خبر دادن
آن حضرت در خطاب به اباصلت دربارهٔ
موضع دفن خود و ویژگی‌های آن
(همان: ۵۹۲-۶۰۰) و هم‌چنین خبر
هرثمة بن اعین دربارهٔ اطلاع دادن
آن حضرت از نحوهٔ شهادت خود که در
این مورد آخر، اگر هم اصل خبر درست
باشد، لااقل راوی آن نمی‌تواند هرثمة بن
اعین باشد؛ زیرا او پیش از امام رضا ⁷
و در سال دویست هجری کشته شده
است، در حالی که تاریخ شهادت امام
رضا ⁷ سال دویست و سه هجری است
(در این باره بنگرید به: ابن بابویه: ۶۱۳/۲،
توضیحات مترجم). علاوه بر این،
معجزات زیادی را نیز از امام رضا ⁷
نقل کرده‌اند که مربوط به پس از شهادت

ایشان است. این معجزات شامل شفای
بیماران، رفع گرفتاری‌های دردمندان و
بسیاری موارد دیگر می‌شود که از
مشهورترین آن‌ها معجزه ضامن آهو شدن
است.^۱ (در این باره بنگرید به: ابن بابویه،
۷۰۱/۲ و بعد).

منابع

۱. احمدی، محمد امین، تناقض‌نما یا
غیب‌نمون: نگرشی نوبه معجزه، دفتر
تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
۲. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن
حسین، عیون اخبار الرضا، ترجمه حمیدرضا
مستفید و علی‌اکبر غفاری، نشر صدوق،
۱۳۷۲.
۳. ترجمهٔ رسالهٔ قشیریه، با تصحیحات و
استدراکات بدیع‌الزمان فروزانفر، شرکت
انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهارم،
۱۳۷۴.
۴. جرجانی، علی بن محمد الشریف، کتاب
التعريفات، تحقیق و زیاده محمد
عبدالرحمان المرعشی، دارالفنایس، بیروت،
—
۱. داستان ضامن آهو از جمله موضوعاتی است که
به مرور زمان شاخ و برگ زیادی یافته و شهره
عام و خاص شده است. از این رو در این شماره
مشکوٰة در مقاله‌ای با نام «کرامت، امکان وقوع،
آسیب‌شناسی» با مراجعه به کتاب معتبر عیون
اخبار الرضا اصل این رویداد بازخوانی و
بازنویسی شده است.

- الطبعة الثانية، ۱۴۲۸ق / ۲۰۰۷م.
۵. جعفریان، رسول، «جامعه صفوی»، در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش مسلسل ۱۱۹-۱۲۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، ص ۴۴-۵۷.
۶. حلّی، جمال الدین ابی منصور حسن بن یوسف، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، تحقیق محمد نجمی الزنجانی، بدون مشخصات.
۷. حیدری آقایی، محمود و دیگران، تاریخ تشیع، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۸. سید مرتضی (علم الهدی)، الذخیره فی علم الکلام، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
۹. شیخ مفید (عکبری)، محمد بن محمد بن نعمان، اوائل المقالات، در: مصنفات الشیخ المفید، تحقیق شیخ ابراهیم انصاری، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ق، المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید.
۱۰. -----، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دارالعلم، قم، بی تا.
۱۲. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م.
۱۳. طبرسی (طبری) عماد الدین حسن بن علی، اسرار الامامه، تحقیق و تصحیح گروه کلام و فلسفه، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول: ۱۳۸۰.
۱۴. -----، مناقب الطاهرين، تحقیق حسین درگاهی، ریزن، ۱۳۷۹.
۱۵. طهرانی، آقابزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعه، دارالاضواء، بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳.
۱۶. فاضل مقداد (سیوری حلّی، جمال الدین مقداد بن عبدالله)، الانوار الجلالیة فی شرح الفصول النصیریة، تحقیق علی حاجی آبادی و عباس جلالی نیا، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۷. قردان قراملکی، محمدحسن، معجزه در قلمرو عقل و دین، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.
۱۸. مدرسی طباطبایی، حسین، مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه هاشم ایزدپناه، کویر، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۱۹. -----، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ترجمه سیدعلی قرائی - رسول جعفریان، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳.
۲۰. مقدس اردبیلی (اردبیلی، احمد بن محمد)، حدیقة الشیعه، انتشارات گلّی، چاپ دوم، ۱۳۶۱.